



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱۵ / شعبان المعظم / ۱۴۴۶ هـ، ق مطابق ۲۶ / دلو / ۱۴۰۳ هـ، ش

فرق کردن بین حق و باطل و همیشه بر حق ثابت ماندن شیوه مسلمان واقعی است

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ . وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا . أَرْسَلَهُ بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا فَهَدَىٰ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَصَّرَ بِهِ مِنَ الْعَمَىٰ وَأَرْشَدَ بِهِ مِنَ الْغَيِّ وَفَتَحَ بِهِ أَعْيُنًا عَمِيًّا وَأَدَانَا صُمًّا وَقُلُوبًا غُلْفًا وَفَرَّقَ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَالْهُدَىٰ وَالضَّلَالِ وَالرَّشَادِ وَالْغَيِّ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْكَافِرِ ، أما بعد:

قال الله سبحانه وتعالى: { وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ } المائدة: (۸۳)

حاضرین محترم و شنوندگان عزتمند!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

حق ضد باطل است و جدال در بین حق و باطل از زمان آدم علیه السلام و شیطان آغاز شده است و تا روز قیامت جنگ و جدال در بین حق و باطل ادامه دارد.

فرق کردن در بین حق و باطل مسئولیت بزرگ مسلمانان است و شرط اساسی، نجات و کامیابی در دنیا و آخرت است.

شناخت حق و باطل و فرق کردن در بین آن بخاطر این ضروری است؛ که الله تعالی قرآن کریم را برای فرق و شناخت حق و باطل فرستاده است. انبیاء و رسل بخاطر این فرستاده شده اند تا آنکه برای مردم حق را بیان کرده و انسانان را بسوی حق فرا بخوانند. [شرح المشکاة للطیبی

۳۶۲۰/۱۱]

یکی از موضوعات قرآن کریم فرق کردن در بین حق و باطل و جدا کردن حق از باطل است؛ والله تعالی در قرآن کریم در آیات زیاد حق و باطل را ذکر کرده است؛ و مردم را بسوی حق دعوت کرده است و از باطل آنها را برحذر داشته و مذمت باطل را بیان نموده است. طوریکه الله

تعالی فرموده است: (وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) البقرة: (۴۲)

ترجمه:- و حق را با باطل خلط نکنید و حق را کتمان نکنید در حالیکه شما میدانید.

الله تعالی فرموده است: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (۱۴۶) الْحَقُّ مِنْ

رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) البقرة: (۱۴۷)

ترجمه:- آنانیکه کتاب را به ایشان داده ایم او محمد را میشناسند چنانچه فرزندانشان را می شناسند وهمانا گروهی از آنان حق را پنهان میکنند در حالیکه میدانند. وحق در تحویل قبله تنها از سوی پروردگارت می باشد پس از شک کنندگان مباش.
در آیه مبارکه دیگر الله تعالی فرموده است: (لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) یونس: (۹۴)
ترجمه:- البته از سوی پروردگارت حق برای تو آمده است پس از شک کنندگان مباش.

و در آیه مبارکه دیگر الله تعالی فرموده است: (قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ) التوبة: (۲۹)

ترجمه:- ای مسلمانان! با آنانی از اهل کتاب بجنگید که به الله وروز آخرت ایمان نمی آورند وچیزی را که الله ورسول او حرام قرار داده اند حرام نمی دانند و از دین حق اطاعت نمیکند.

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق رضی الله عنه اینطور دعا میکردند: (اللهم أرنا الحق حقاً فنتبعه والباطل باطلاً فنجتنبه) شرح مذاهب أهل السنة ومعرفة شرائع الدين لابن شاهين (ص: ۳۶)، قوت القلوب (۱/ ۱۴۲).

ترجمه:- ای الله! بنما از برای ما حق را حق، که ما از آن پیروی کنیم وبنما از برای ما باطل را باطل، تا اینکه ما از آن خود داری کنیم.
بناء بر این فرق کردن در بین حق وباطل فضیلت بزرگ دارد؛ زیراکه حق را شناختن وبه حق عمل کردن وبه حق ثابت ماندن خصلت مسلمان واقعی است. الله تعالی به حق امر کرده واز باطل منع کرده است، طوریکه الله تعالی فرموده است: آنان خساره مند نیستند که یک دیگر را به حق وصیت میکنند. الله تعالی فرموده است: (وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ). العصر: (۱-۳)

تعریف حق و باطل:

در قرآن کریم اطلاق حق به بسیار چیزها شده است واطلاق باطل هم به معانی متعدد شده است.
مگرحق درلغت ثابت، درست، راست و واجب را گویند. ودر اصطلاح آن حکمی است که مطابق واقع باشد واطلاق حق بالای عقاید، ادیان ومذاهب هم میشود و ضد حق باطل است. [کشاف اصطلاح الفنون للتهانوي ۴۵۲/۱-۴۵۳].

وباطل چیزی است که صحت نداشته باشد و ضد باطل حق است. [نزهة الأعمین النواظر في علم الوجوه والنظائر ص: ۱۹۵]

شناخت حق ضروري است:

در شرایط کنونی که امواج فتنه ها خیلی زیاد است ومسلمانان جهان به آزمونهای مختلف دست وگریبان اند ودر جهان باطل به شکل حق پیش کرده میشود و طرفداران باطل زیاد اند؛ پس از برای مسلمانان شناخت حق ضروری است.

بخاطر فرق کردن در بین حق وباطل شناختن حق ضروری است که حق شناخته شود. اگر مسلمان حق را بشناسد باطل که ضد حق است آنرا هم میشناسد، وقتیکه حق را شناخت به حق عمل میکند وبه حق فیصله میکند وحق را به دیگران بیان میکند وازحق طرفداری میکند. اگر حق را شناسد پس حق را از باطل جدا کردن وبه حق عمل کردن وبه دیگران بیان کردن مشکل است و دریک روایت آمده است: قال حذيفة بن اليمان (ليأتين على الناس زمان يشبه الحق والباطل). ذم الكلام وأهله للهروي (۴/ ۲۸۵)

ترجمه:- حذیفه بن الیمان رضی الله عنه فرموده است: یقیناً زمانی به مردم فرا می رسد که حق با باطل خلط میشود(وجدا کردن آن مشکل میشود).

شناخت حق از این جهت ضروری است که مسلمانان به باطل مبتلاء نشوند، وهمچنان شناخت حق ضروری است تا اینکه مسلمانان به تأیید حق قیام کنند و به باطل مقابله کنند، شناخت حق بخاطر این ضروری است که در مقابل دشمنان حق مقابله کنند و حق پرست را کمک و به حق ثابت استوار بماند.

اگر کسی حق را بشناسد به این طریق از باطل خود را حفاظت میکند؛ زیرا که از باطل خود را حفاظت کردن ضروری است. در یک روایت آمده است: عن حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ يَقُولُ: «كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يُدْرِكَنِي». صحیح مسلم (۶/ ۲۰)

ترجمه:- از حذیفه الیمان رضی الله عنه روایت است او میگوید که مردم از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال خیر را میکردند و من از رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره شر سوال میکردم از ترس اینکه شر به من نرسد.

وظیفه مسلمان است که در بین حق و باطل فرق کرده و حق را از باطل جدا کند، زیرا که الله تعالی به انسان فطرت سلیم داده است که به واسطه فطرت سلیم به قدرت های الله تعالی فکر کند و در شناخت حق تلاش کند، الله تعالی در نفس انسانی این استعداد را گذاشته است که در بین حق و باطل فرق کند و حق را بپذیرد و الله تعالی در طبیعت و فطرت انسانها محبت حق و نفرت باطل را گذاشته است.. [جامع العلوم والحکم ص: ۲۵۳]

الله تعالی فرموده است: (فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ). الروم: (۳۰)

ترجمه:- با همان فطرتیکه الله مردم را بر آن آفریده است چون در خلقت الله تبدیلی نیست.

و در یک حدیث شریف آمده است: عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ وَيُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ كَمَا تُنْتَجُ الْبَيْهِيْمَةُ بِبَيْهِيْمَةٍ جَمْعَاءَ هَلْ تُحْسِنُونَ فِيهَا مِنْ جَدْعَاءَ). صحیح البخاری ت (۳/ ۳۴۱)

ترجمه:- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: هیچ طفلی نیست مگر اینکه تولد میشود به فطرت اسلامی پس مادر و پدر اند که آنرا یهودی، یا نصرانی و یا مجوسی میگردانند. طوریکه می زاید حیوان جوجه سالم، آیا شما در آن کدام عیبی می بینید؟

در شرح این حدیث ابن الجوزی رحمه الله نوشته است: مراد از این حدیث این است که الله تعالی شناخت خود را در نفس ها خلقتاً نهفته است و سپس از برای شناخت خود دلایل قایم کرده است و قتیکه فطرت انسانی از موانع خالی باشد حق برای او آشکار میشود و به آن باور میکند. کشف المشکل من حدیث الصحیحین (ص: ۹۱۰)

از طرف دیگر فرق کردن در بین حق و باطل به آن صفاتی ممکن است که صفات حق شمرده میشوند.

فرق در بین حق و باطل به خصوصیات ذیل میشود:

۱- از حق تجاوز کردن در باطل واقع شدن است:

کسیکه از حق دوری کند در باطل واقع میشود؛ زیرا که حق و باطل هر دو ضد یک دیگر اند که با هم جمع نمیشوند و در بین این هر دو مرتبه

دیگری وجود ندارد. الله تعالی فرموده است: (فَدَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ). یونس: (۳۲)

ترجمه:- پس این است الله پروردگار حقیقی شما پس بعد از حق جز گمراهی نیست پس چگونه باز گردانیده میشود.

توضیح: درآیه مبارکه فوق استفهام انکاری است، یعنی نیست بعد از حق مگر گمراهی و در بین این هر دو کدام مرتبه دیگری نیست.

امام ابوحنیفان اندلسی رحمه الله در تفسیر این آیت میگوید: (فالحق والضلال لا واسطة بينهما ، إذ هما نقيضان ، فمن يخطئ الحق وقع في الضلال). تفسیر البحر المحیط (۱۲۴/ ۵)

ترجمه:- در بین حق و گمراهی دیگر واسطه وجود ندارد؛ زیرا که هر دوزخ یک دیگر اند، پس کسیکه از حق خطا شد، در گمراهی واقع میشود.

۲- حق یک راه مستقیم است و راه های باطل زیاد اند:

صفت حق این است که یکتا می باشد و تعدد را قبول نمیکند اگر چه این یک موضوع بسیار وسیع است مگر بخاطر اینکه از تعدد حق در شرایط فعلی اهل باطل استفاده میکنند، باید در باره آن یک چیزی بگوییم. به طور مثال در تمام ادیان جهان تنها یک دین حق است که همانا اسلام است. الله تعالی فرموده است: (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ). آل عمران: (۸۵)

ترجمه:- و هر که دینی غیر از اسلام اختیار کند هرگز از او پذیرفته نمیشود.

در شرایط فعلی بعضی معاهدات به امضاء می رسد که آنرا معاهده ابراهیمی گفته میشود و میگویند که همه ادیان حق اند، یهودیت فعلی، عیسویت... همه ادیان ابراهیمی اند و همه حق اند، با وجود اینکه در زمان کنونی کدام یهودیت، عیسویت و یا نصرانیتی هستند همه تحریف شده و ادیان منسوخ اند.

تنها دین اسلام حق است و دیگر تمام ادیان باطل اند؛ زیرا که با اسلام در تضاد اند و حق یک است و باطل زیاد. الله تعالی فرموده است: (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) الأنعام: (۱۵۳)

ترجمه:- و بگو این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه مستقیم پراکنده میسازد این است آنچه الله شما را به آن سفارش میکند تا پرهیزگار شوید.

در آیه دیگر آمده است: (قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ). الحجر: (۴۱)

ترجمه:- الله در جواب فرمود این دین اسلام راهی است راست که بر من می رسد.

در آیه فوق الله تعالی راه خود را به صیغه مفرد ذکر کرده است و راه های باطل را به صیغه جمع ذکر کرده است. پس معلوم شد که راه بر حق الله تعالی یک راه است و راه های باطل زیاد اند.

و در یک حدیث شریف آمده است: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَخَطَّ خَطًّا، وَخَطَّ خَطِّينِ عَنْ يَمِينِهِ، وَخَطَّ خَطِّينِ عَنْ يَسَارِهِ، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ فِي الْخَطِّ الْأَوْسَطِ، فَقَالَ: «هَذَا سَبِيلُ اللَّهِ» ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: {وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ} [الأنعام: ۱۵۳] سنن ابن ماجه (۱/ ۶)

ترجمه:- از جابر بن عبد الله رضي الله عنه روایت است ، او میگوید من همراهی رسول الله صلى الله عليه وسلم یکجا بودم که نبی علیه الصلاة والسلام یک خط مستقیم کشید و دو خط دیگر به طرف راست آن کشید و دو خط دیگر به طرف چپ آن و سپس دست مبارک خود را به آن خط درمیانه گذاشت و اینطور فرمودند: این راه الله است و این آیت را تلاوت کرد: {وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ} الأنعام.

این حدیث به روایت دیگر آمده است که نبی علیه السلام فرمودند: (ثم قال: «هذا سبيل الله مستقيماً»، قال: ثم خط عن يمينه وشماله، ثم قال: «هذه السُّبُلُ، وليس منها سبيل إلا عليه شيطان يدعو إليه». مسند أحمد (۴/ ۲۵۷)

ترجمه:- سپس نبی علیه السلام فرمودند: این راه مستقیم الله است. عبدالله بن مسعود رضي الله عنهما میگوید که باز رسول الله صلی الله علیه وسلم که به طرف راست و چپ آن خط خط های دیگری کشید و فرمودند: این راه ها بسیار اند و نیست هیچ راهی در این راه ها مگر اینکه شیطان در آن ایستاده است و به آن راه ها دعوت میکند.

و مسلمان واقعی آن است که به یک راه مستقیم ثابت بماند و از راه های زیاد پراکنده خود را حفاظت کند و در راه حق ثابت قدم باقی بماند.

۳- حق آن است که مصدر آن شریعت باشد:

یعنی حق به کثرت مردم ارتباط ندارد، و حق به دلائل بسیار هم ارتباط ندارد، حق آن است که در شریعت حق باشد، اگر چه همه مردم مخالف آن باشند. چیزی که با شریعت برابر باشد و تقاضای شریعت باشد آن حق است و چیزی که اصل شرعی نداشته باشد آن حق نیست بلکه باطل است و به مسلمان مناسب است که از آن خود داری کند.

هر سخنی که به احکام و ارشادات الهی در تضاد باشد آن باطل و به ضد حق است مناسب است که از آن خود داری کرده شود.

و باطل آن پدیده بدی است که با شریعت در تضاد باشد و مأخذ شرعی نداشته باشد.

اگر کدام موضوعی پیش میشود باید آن موضوع در میزان شریعت وزن شود، اگر موافق شریعت اسلامی بود به آن عمل کرده شود و اگر مخالف شریعت اسلامی بود باید از آن کناره گیری کرده شود؛ زیرا که از برای ما معیار حق قرآن کریم و سنت نبوی است که مجتهدین آنرا

شرح و توضیح داده اند. الله تعالی فرموده است: (وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ) الکهف: (۲۹)

ترجمه:- و گو حق از سوی پروردگار تان است.

در آیه مبارک دیگر آمده است: (الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) آل عمران: (۶۰)

ترجمه:- این سخن حق (بنده و رسول بودن عیسی) از نزد پروردگار توست پس تو ای مخاطب از جمله شک کنندگان مباش.

حق به کثرت و قلت مردم شناخته نمیشوند؛ بلکه به واسطه شریعت معلوم میشود.

پس بر مسلمان مناسب است کدام موضوع و کاری که به شریعت برابر باشد از آن پیروی کرده و به آن عمل کند و در آن ثابت بماند.

۴- حق تأیید الهی دارد:

الله تعالی در هر وقت و زمان حق را تأیید و نصرت نموده و آنرا کامیاب گردانیده است و مردم از مقابله آن عاجز آمده اند، مانند: رسالت و نبوت

انبیاء علیهم السلام که به معجزات آنها را تأیید کرده است و ولایت اولیاء کرام که به کرامات آنها را تأیید کرده است و باطل که به نزد الله

مبغوض و مردود است هیچ نوع تأیید ندارد.

اگر کدام موضوع و کاری که از طرف الله تعالی تأیید شود، باید به آن عمل شود و مسلمان واقعی بر آن گردن نهد و بر آن ثابت بماند. الله تعالی

فرموده است: (وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ) یونس: (۸۲) ترجمه: والله حق را به سخن های خود ثابت میکند هر چند مجرمان نپسندند.

در یک آیه دیگر آمده است: (وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (۷) لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ

الْمُجْرِمُونَ) الانفال: (۸)

ترجمه:- در حالیکه الله تعالی میخواست که حق (دین و غلبه مسلمانان) را به سخنان (فرمان) های خود ثابت کند؛ و کافران را ریشه کن

کند تا دین حق را ثابت کند و باطل (کفر) را نابود سازد اگر چه مجرمان خوش نداشته باشند.

و در آیه مبارکه دیگر چنین آمده است: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ). البقرة: (۲۱۳)

ترجمه:- مردمان در (آغاز) امت واحد بودند، پس الله پیامبران مژده دهند و بیم دهنده فرستاد و با آنها کتاب را به حق نازل کرد. معجزات الهی و صدور کرامات یک بخشی از تائید حق است. مانند: عصای موسی علیه السلام، شتر صالح علیه السلام و قرآن نبی علیه السلام که تمام عرب از مقابله آن عاجز شدند. الله تعالی فرموده است: (قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ) الأعراف: (۷۳) ترجمه: همانا از طرف پروردگار تان معجزه آشکار برای شما آمده است.

۵- حق آن است که اختلاف را از بین می برد:

حق آن است که مشاجره را ختم میکند و به اختلافات خاتمه میدهد. و در بین جوانب متنازع صلح و آرامی را به وجود می آورد. بعضی اوقات در بین مردم در کارهای دینی اختلاف به وجود می آید. حق آن است که این چنین اختلافات را از بین ببرد. الله تعالی فرموده است: (رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ). الاعراف: (۸۹) ترجمه:- ای پروردگار ما میان ما و قوم ما به حق فیصله کن و تویی بهترین فیصله کنندگان.

حق آن است که غم را کم کند و باطل آن است که مشاجره، اختلاف، نارضایتی، و بد بینی را به وجود می آورد و تشنج را دامن میزند.

۶- حق همیشه قوی و غالب و باطل همیشه ضعیف میباشد:

صفت حق این است که حق همیشه قوی و غالب و باطل همیشه ضعیف و مغلوب می باشد.

الله تعالی فرموده است: (بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ). الأنبياء: (۱۸)

ترجمه:- بلکه حق را بر باطل می اندازیم پس آنرا می شکند و سرکوب میکند پس ناگهان باطل محو و نابود میشود.

الله تعالی در آیه مبارکه دیگر میفرماید: (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) الاسراء: (۸۱)

ترجمه:- بگو حق آمد و باطل نابود بی گمان باطل همیشه نابود شدنی است .

همچنان الله تعالی اهل حق را ثابت و قایم نگه میدارد و آنها را بالای دشمنان غالب میسازد. الله تعالی فرموده: (يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا)

ابراهیم: (۲۷)

ترجمه:- الله مومنان را در زندگانی دنیا و آخرت به سبب سخن پایدار ثابت قدم میدارد.

و در یک آیه مبارکه دیگر الله تعالی فرموده است: (كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً). البقرة: (۲۴۹)

ترجمه:- چه بسا گروه کم بر گروه زیاد به اذن الله غالب میگردد.

و در یک حدیث شریف آمده است: عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يَقَاتِلُونَ

عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ». صحیح مسلم (۱/ ۹۵)

ترجمه:- از جابر رضی الله عنه روایت است او میگوید که من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که اینطور فرمودند: همیشه میباشد

یک جماعتی از امت من که جنگ (جهاد) میکنند بخاطر حق در حالیکه غالب می باشند بالای دشمن تا روز قیامت.

این غلبه به اثر اسباب و اسلحه نمی باشد بلکه از جهت حق بودن آن است.

۷- حق خیر و باطل شر است:

خیر و نیکی با حق لازم است و خیر از حق جدا کرده نمیشود بلکه حق عبارت از خیر است اگر در جایی بنام حق یک جریان موجود باشد و خیر

در آن نباشد، پس آنرا جریان حق گفته نمیشود و باطل مکمل شر است. اگر کسی کار شری را انجام میدهد و بالای او نام حق میگذارد، پس

این شخص حق و باطل را به مردم خلط میکند.

حق امانت، عدالت، نصیحت به خیر و به نیکی امر کردن است. طوریکه الله تعالی فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ) النحل: (۹۰)

ترجمه:- البته الله به عدل واحسان و بخشش به خویشاوندان امر میکند و از فحشاء کار زشت و ناشایست و تجاوز منع میکند.

۸- حق آنست است که جماعت بزرگ مسلمانان بر آن ایستاده اند:

حق آنست که یک جماعت بزرگ مسلمانان بر آن جمع شده است و بر آن استوار اند، زیرا که تجمع مسلمانان به یک کار دلیل بر این است که این کار حق است زیرا که الله تعالی امت نبی علیه السلام را از این حفاظت کرده است که به باطل و گناه جمع شوند.

در حدیث شریف آمده است: عن أنس بن مالك يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إن أمتي لا تجتمع على ضلالة». سنن ابن ماجه (۲/ ۱۳۰۳)

ترجمه:- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت او میگوید که من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که فرمودند: یقیناً امت من به گمراهی جمع نمیشوند.

به حق ثابت ماندن خصلت مسلمان واقعی است:

به حق ثابت ماندن مانند شمعی است که در شب تاریک افروخته شده و تاریکی های شب را روشن میکند و هیچ تغییر و تبدیلی در آن نمی آید، اگر چه حالات به هر اندازه که تغییر بخورد.

چه خوب گفته است عبدالرحمن بابا:

لکه ونه مستقیم په خپل مکان یم ***** که خزان را باندي راشي او يا بهار.

به حق ثابت ماندن خصلت بزرگ مردم حقیرست است و به حق ثابت ماندن مطلب هر مؤمن و آرمان هر دعوت گر است، بخصوص در دوران فتنه ها و آزمایشات مختلف که گمراهان با وسائل گمراه کننده شب و روز درکار اند.

به حق و به راه مستقیم ثابت ماندن و از انواع باطل خود را حفاظت کردن عزم، هوشیاری، زیرکی مسلمان واقعی را ظاهر میکند و قلباً به حق ثابت ماندن فضل و رحمت بزرگ الله تعالی است.

به حق ثابت ماندن یک مطلب وسیع و فراخ است، و ما در باره ای به حق ثابت ماندن یک چیزی میگوییم.

در قرآن کریم چند جا در باره ثبات تذکره داده شده است و الله تعالی مؤمنان را امر کرده است که در مقابل دشمن بخاطر دفاع از حق ثابت باشند و به عقب نگردند و میدان را به دشمن رها نکنند زیرا که در ثبات ایشان کامیابی، برتری و فلاح نهفته است. الله تعالی فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) الانفال: (۴۵)

ترجمه:- ای کسانی که ایمان آورده اید چون با جماعت کفار در وقت جنگ روبرو شدید پس ثابت قدم باشید و الله را بسیار یاد کنید تا به نصرت و پاداش الهی دست یابید.

الله تعالی میفرماید: اگر شما دین الله را یاری کنید الله تعالی در عوض به شما کمک میکند و قدم های شما را ثابت و محکم میکند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَوَلَّوْا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) محمد: (۷)

ترجمه:- ای کسانی که ایمان آورده اید اگر الله را یاری و مدد کنید الله هم شما را یاری و مدد میکند و گامهایتان را ثابت و استوار میدارد. الله تعالی میفرماید: که ای پیامبر! من برای تو واقعات امت های گذشته و پیامبران را بیان میکنم تا اینکه قلب تو به آن استوار شود. (وَكَلَّا

نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (هود: ۱۲۰)

ترجمه:- و هر یک از سرگذشت پیامبران را بر تو بیان میکنیم آنچه که دلت را به آن استوار و محکم میگردانیم و در این (سوره) برای تو حق آمده است و برای مؤمنان پند و یاد آوری آمده است.

به حق ثابت ماندن یک مثال آن ساحران اند و قتیکه فرعون آنها را چنین تهدید کرد: (فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَأَلْصَبُّنَا فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى) طه: (۷۱)

ترجمه:- پس دست های و پاهای شما را برخلاف یکدیگر قطع میکنم و شمارا بر تنه های درخت خرما به دار می آویزم و البته خواهید دانست کدام یکی از ما و شما در عذاب دادن سخت تر و در دنیا پاینده تر است.

و آنها برای او چنین جواب گفتند: (قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا) طه: (۷۱-۷۲)

ترجمه:- جادو گران به فرعون گفتند: هرگز تورا به دلائل روشنی که به ما رسیده و برکسیکه مارا آفریده است ترجیح نمی دهیم پس هر حکمی که در حق ما میخواهی بکن تو فقط در این زندگانی دنیا است که حکم می رانی.

همچنان اگر ما سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را به دقت مطالعه کنیم؛ می بینیم که سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره ثابت ماندن به حق از مثالهای بی شماری پر است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته